موسیقی

منتخبی از دوره های آموزش سنتور اثر استاد ابوالحسن صبا
انتخاب و اجرا: داریوش ثقفی
ناشر: مرکز موسیقی حوزه هنری

از سنطور تا سنتور

سید علیرضا میرعلی نقی

سنتور، یا آنچنان که استاد ابوالحسن خان صبا (۱۳۳۶ - ۱۲۸۲) گاه می نوشت: سنطور، در سالهای پایانی عصر قاجار، سازی تقریباً فراموش شده و رو به نابودی بود. سازهای اصلی، تار و تنبک و کمانچه بودند و دوره قاجار، در واقع «عصر تار» بود. تعداد کمی سنتور می نواختند و تعداد کمتری نیز سنتور می ساختند و می آموختند. ابوالحسن خان نوجوان، فرزند ابوالقاسم خان کمال السلطنه پزشک دربار مظفرالدین شاه نیز یکی از آن افراد انگشت شمار بود. علاوه های شخصی او به کنار، نمی توان به این نکته نیندیشید که مشکلات کوک و حمل و نقل و نگهداری «سنطور» و محدودیت های فنی آن در اجرای برخی گوشه ها و دستگاهها، هیچگاه این ساز را در حد و مرتبه کاربرد تار و کمانچه (و البته بعدها ویولن) مطرح نکرد. صبای جوان هم از این مسائل آگاه بود و تقدیر، او بنا نداشت که از او نوازنده سنتور بسازد. هرچند که او سرنوشت سازترین چهره موسیقی معاصر در ارتباط با این ساز ملی و باستانی (اصطلاح از استاد صبا) بود است.

اما بین دوره آموزش او نزد علی اکبر خان شاهی و دوره توجه مجدد او به سنطور، تا هنگامی که تبدیل به سنتور آموزی شد، حدود پانزده تا بیست سال اختلاف زمان بود. در این فاصله زمانی، صبای نوجوان عملاً تبدیل به دایرة المعارف زنده موسیقی ایران شد. استعداد یادگیری شگفت انگیز او، قریحه هنری عالی او و توان اجرایی او، یک مجموعه فرهنگی - انسانی به نام «استاد صبا» را ساخت که در آستانه سی سالگی، مرجع کامل سنت موسیقی ایرانی شناخته می شد و به او صلاحیتی برتر از تمام هم نسلانش می داد. در همین فاصله زمانی، هنرمند هم نسل او، حبیب سماعی (۱۳۲۵ - ۱۲۸۰) در هنر تک نوازی و بداهه سرایی با سنتور، به مرزهایی فوق انتظار زمانه خود رسید. ساخت سنتور و کمال فنی آن، با تلاش مهدی ناظمی و راهنمایی های استاد سماعی، تحولی دیگر یافت و سنتورهای همیشه معیوب و بد صدای دوره قاجار کم کم از در خارج شد. سنتورنوازان عصر قاجار مثل حسن خان، علی اکبر شاهی و اسدالله خان اتابکی (که به گواهی صفحات برجا مانده، نوازندگانی کمابیش در یک رده و هم طراز هستند) پیر و شکسته شده و از دنیا رفته بودند. در حالی که شاگردان حرفه ای و قابلی نداشتند و بزرگترین چهره هنر سنتورنوازی عصر ناصری و شاگرد ممتازش (حبیب الله سماع حضور، وارث مکتب هنری محمدحسن خان سرور الملک «رئیس») نیز در ابتدای قرن شمسی حاضر جهان را به درود گفته بودند و تنها مکتب دار، فرزند حبیب الله سماع حضور، تنها کسی الله سماع بود که به سادگی می گفت: سنتور زدن من ریخت و پاشی است از هنر پدرم. حبیب جوان، نه تنها جانشین پدر، بلکه جانشین تمام هنرمندان بزرگ سنتورنوازی شناخته می شد. در دو دهه ابتدای قرن شمسی حاضر، حبیب سماعی تنها نوازنده بزرگ و امانتدار هنر سنتورنوازی قدما بود. ولی شعل نظامی داشت. زیرا موسیقیدان حرفه ای نبود. در یک شهر مستقر نبود و از شهری به شهر دیگر مأموریت می رفت و شاگرد نیز نمی توانست درس بدهد. شوریدگی روح و فوران خلاقیت او مانع تدریس بود و تنها استادی مسلم چون صبا می توانست از مطالب او استفاده کند و به آیندگان انتقال بدهد.

آشنایی صبا با حبیب سماعی در سالهای ۱۳۱۶ - ۱۳۱۵ و شنیدن بداهه های ظریف و پیچیده او، علاقه به این ساز، دوباره بیدار کرد. او برای سماعی کلاس سنتور ترتیب داد و با مطالعه هنر نوازندگی او که دنباله هنر اساتیدی چون سماع حضور و سرورالملک بود، قابلیت های دیگری از سنتورنوازی را شناخت که در روش نوازندگی علی اکبر شاهی، حسن خان و اسدالله خان اتابکی نبود. فرهنگی فراموش شده، با اجرای یک هنرمند خلاق، از نو مطرح شد و هنرمندی استاد، آن را پرورانند و تا حدی که شرایط زندگی اش اجازه می داد، دستاوردهایش را منظم و مدون کرد. سنتور امروز، حاصل همکاری و هنرآموزی متقابل دو مرد فرهنگساز است: حبیب سماعی و بیش از او، ابوالحسن صبا، که دوست و دشمن او را به استادی می شناختند و او در مورد حبیب - به هر دو معنا، هم دوست و هم اسم خاص - می گفت: «او اعجوبه ای است، ما حلا حلاها باید بدویم که به او برسیم» و اینکه: «او یک غیره: غیرِ حبیب، کسی را «استاد» نمیدانم»، البته در اینجا باید به مسند و معنای خاصی که این کلمه - استاد - در ذهن هنرمندی مثل صبا وجود داشته است، توجه کرد، نه به معنای بی مسمایی که امروزه رواج دارد.

بعد از مرگ حبیب سماعی در ۴۵ سالگی، صبا، میراث دار هنر سنتورنوازی و محمل انتقال آن به هنرمندان جوان در نسلهای بعد شد. اولین شاگرد برجسته مکتب صبا، حبیب صبا، فرامرز پایور، سه سال بعد از مرگ حبیب، آموختن را آغاز کرد. در همان سال، اولین جلد ردیف های سنتور به چاپ رسید. با این حال، شاگردی دیگر، حبیب صبا (که جز اشتراک نام با استاد به هیچ وجه نسبت دیگری نداشت)، درباره میزان مهارت ابوالحسن صبا در سنتورنوازی می نویسد: «برای اینکه نوازنده زبردستی شود، کوشش نمی کرد و به همین دلیل نبایدا کول Ecole او را زیاد مورد توجه قرار داد. با احترام به هنرمند فقید، حسین صبا، شاید بتوان گفت بحث روش تدریس، از بحث مهارت در اجرا و نواختن و «پرتوگوزینه» جداست. بسیاری از تک نوازان بزرگ در صحنه های پرجمعیت و تالارهای عظیم، شاگرد کسانی بوده اند که گاهی آن توانایی های صحنه ای را نداشته اند ولی مسلط به علم موسیقی و دانای روش تدریس و آموزش بوده و با سیستم های تربیتی پیشرفته ای کار می کرده اند تا بتوانند ستارگان درخشان صحنه های اجرا را تربیت کنند. صبا، در سازهایی مثل تنبک و نی و سنتور که تخصص های اصلی او نبودند، دانسته رموز هنر اجرا، طراح روش های آموزشی و عامل انتقال فرهنگی بوده است: حسین تهرانی استاد مسلم تنبک و حسن کسایی نوازنده بی بدیل نی، خود را شاگرد مستقیم و پرورده صبا می دانند. در حالی که صبا نوازنده حرفه ای تنبک و نی نبود. هرچند که در کودکی و نوجوانی آنها را تا حدی آموخته بود، در سنتورنوازی و سنتورآموزی هم می توان چنین اندیشید و با در نظر گرفتن این نکات، ارزش صبا را بیش از پیش درک کرد.

پریشان احوالی ده سال آخر عمر صبا، فرصت تحقق آرزوهای او را از بین برد. با این حال، او برای معرفی «سنطور» کوشش هایی ارزنده کرد: مطالب و مضراب های حبیب را فراگرفت. نوشت، نواخت و یاد داد. حسین ملک را در روشی که برای نوازندگی و سنتورسازی انتخاب کرده بود راهنمایی کرد. همچنین منوچهر جهانگلو را تا حدی یاری داد تا در حد استعداد خود، با

یک هفته با هنر

موسیقی

- فرهنگسرای اختران: کنسرت آذربایجانی (باکو) ۲۶ تا ۲۸ مردادماه، ساعت ۲۱، نشانی: صادقیه، بلوار فردوس، تالار فرهنگسرای اختران
- تالار وحدت: کنسرت آذربایجانی گروه دالغا به سرپرستی چنگیز مهدی پور، ۲۷ و ۲۸ مردادماه، ساعت ۲۱/۳۰، نشانی: خیابان حافظ، خیابان استاد شهریار
- تالار نیاوران: کنسرت پاپ قاسم افشار ۲۷ مرداد و فرمان قنحیلیان ۲۸ مردادماه، ساعت ۲۱، انتهای خیابان پاسداران، ضلع شمالی کاخ نیاوران تالار میراث فرهنگی

تئاتر

- تالار چهارسو: «فنز» به کارگردانی محمد رحمانیان، ساعت ۱۹/۳۰
- تالار قشقایی: «روزی روزگاری آبادان» به کارگردانی حمیدرضا آذرنگ، ساعت ۲۰
- تالار سایه: «دفتر یادداشت» به کارگردانی کتایون فیض مرندی، ساعت ۱۹
- تالار کوچک: «بهترین مامان این حوالی» به کارگردانی محمدرضا کوهستانی، ساعت ۱۸/۳۰
- «انسان های دوست داشتنی» به کارگردانی شکر خدا گودرزی، ساعت ۲۰
- گارگاه نمایش: «من باید برم خیلی دیرم شده» به کارگردانی محمد عافیتی، ساعت ۲۰
- تالار وحدت: «ریجارد دوم» به کارگردانی تاجبخش فاتائیان، ساعت ۱۸
- تالار هنر: «سه بچه خوک» به کارگردانی افسانه زمانی، ساعت ۱۸/۳۰